

بررسی و ارزیابی عوامل موثر در تکرار جرم و راهکارهای پیشگیری از تکرار جرم در ایران

مجید میرزائی چنذاب^۱ مبین رضائی

^۱ گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، شهر قدس، ایران (نویسنده مسئول)، majidmiirzaei@gmail.com

^۱ گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس، شهر قدس، ایران، Mobinrezaei471@gmail.com

چکیده. تکرار جرم در حقوق کیفری ایران حول سه محور قابل بررسی است، محور اول راجع به تعریف معضل تکرار جرم میپردازد و در محور دوم به عوامل تکرار جرم میپردازد و محور سوم راجع به راهکارهای جلوگیری و کاهش تکرار جرم که در جامعه امروزی به معضلی بزرگ تبدیل شده است میپردازد. هدف از انجام تحقیق مروری پیش رو بررسی عوامل تاثیرگذار در انجام دوباره جرم و جنایت به خصوص از سوی زندانیان، پس از پایان دوره زندان می باشد؛ برخی زندانی ها پس از آزادی، برای شروع یک زندگی سالم مشکل دارند؛ نداشتن پس انداز و سرمایه، نداشتن حرفه و تخصص، داشتن سوء پیشینه برای استخدام، برچسب زنی و بد بینی و بی اعتمادی جامعه به آنها و نبود ضامن برای اشتغال، باعث می شود که این افراد دوباره مرتکب جرم شوند و به زندان باز گردند. بزهکاری که پس از تحمل کیفر حبس از زندان آزاد شده و وارد اجتماع می شود، باید کنترل و حمایت از سوی نهاد ها و سازمان های مدنی و دولتی شوند تا دوباره به سوی جرم باز نگردند. در این مقاله به بررسی و ارزیابی تکرار جرم در ایران با تحلیل و بررسی عوامل موثر بر این پدیده و پیامدهای آن میپردازد؛ با استفاده از داده های آماری و مطالعات موردی، تلاش شده است تا الگوهای تکرار جرم از دیدگاه های اجتماعی و جرم شناسی بررسی شود و راهکارهای پیش گیرانه و اصلاحی برای کاهش تکرار جرم در نظام قضایی ایران میپردازد و در نهایت پیشنهاداتی برای بهبود سیاست های کیفری و ارتقاء امنیت جامعه ارائه می شود.

واژگان کلیدی: تکرار جرم، تشدید مجازات، بزهکار، جرم، زندانیان، جرم شناسی.

An Analysis and Evaluation of the Factors Influencing Recidivism and Strategies for Preventing Reoffending in Iran

Majid Mirzaei Chendazab¹, Mobin Rezaei²

1 Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shahre-Qods Branch, Shahre-Qods, Iran
(Corresponding Author)

2 Department of Law, Faculty of Law, Islamic Azad University, Shahre-Qods Branch, Shahre-Qods, Iran

Abstract.

Recidivism, as addressed in Iranian criminal law, can be examined through three core dimensions. The first-dimension concerns defining the phenomenon of reoffending and the complexity it poses to the criminal justice system. The second focuses on the underlying causes that lead individuals to commit crimes repeatedly. The third involves exploring practical strategies to prevent and reduce recidivism, which has become a major social challenge in contemporary Iranian society. The purpose of the present review study is to identify and analyze the factors contributing to repeated criminal behavior, particularly among prisoners who reoffend after completing their prison terms. Many released inmates face significant obstacles when attempting to rebuild a lawful and stable life: lack of savings or financial resources, absence of vocational skills, difficulty securing employment due to criminal records, social stigma, distrust from the community, and even the inability to provide guarantors for job opportunities. These barriers increase the likelihood that individuals will return to criminal behavior, ultimately resulting in a cycle of repeated incarceration. An offender who is released after serving a sentence must receive appropriate supervision, guidance, and support from governmental and civil institutions in order to reintegrate and avoid slipping back into crime. This article examines and evaluates recidivism in Iran by analyzing the contributing factors and its consequences. Through statistical data, case studies, and criminological perspectives, the study seeks to identify patterns of reoffending within social and behavioral contexts. Furthermore, it proposes preventive and corrective strategies aimed at reducing recidivism within the Iranian judicial system and ultimately offers recommendations for improving criminal policies and enhancing public security.

Keywords : recidivism, sentence aggravation, offender, crime, prisoners, criminology.

در موضوع تکرار جرم و راهکار های جلوگیری از تکرار جرم مقالات متنوع و گوناگونی وجود دارد که راجع به چالش های تکرار جرم در ایران و مقایسه سیاست های قضایی در راستای تکرار جرم و کنترل آن در ایران و کشور های اروپایی پرداخته شده است ؛ اما در این مقاله پژوهشی از منظر جرم شناسی و تحلیل و بررسی جامعه و عوامل وقوع تکرار جرم در جامعه و در نهایت به ارائه راهکار ها برای جلوگیری از تکرار جرم پرداخته شده است ، که در این مقاله به جمع بندی هایی راجع به عوامل موثر و راهکار ها برای جلوگیری از تکرار جرم و ترک تکرار جرم و دوری از بزه ارائه شده است .

پر واضح است که مسئله تکرار جرم یکی از مباحث مهم حقوق کیفری ایران است ، در واقع با ورود تفکرات کیفر شناختی نوین ، توجه به کنترل بزهکاران جایگاه ویژه ای پیدا کرده است ؛ در گذرگاه زمان، علوم مربوط به جرم شناسی دائما در حال تغییر و تحول بوده است. بدین سان که؛ گاه با افزایش یا کاهش یا حذف مداخلت نظام کیفری و البته با هدف معین، که گاهی منجر به دخالت بیشتر اقدامات غیر کیفری توسط مراجع غیر رسمی و مردمی یا به اصطلاح جامعه مدنی پیش رفته است.

مفهوم ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم به نحو مشهودی با موقعیت و ارزیابی هزینه و فایده فرد بستگی دارد زندان به عنوان اصلی ترین شیوه مجازات فرد یکی از اقلام عمده و رسمی هزینه ارتکاب جرم است که در عین حال متضمن آسیب ها و صدمات اجتماعی گوناگونی از قبیل از دست دادن شغل طرد، اجتماعی کاهش منزلت اجتماعی و ... میباشد. از سویی بین اولین مرتبه زندانی شدن فرد و دفعات دیگر یادگیری شگردهای خاص ارتکاب مجدد جرم آشنایی با افراد جدید و فرار از مجازاتهای قانونی و چگونگی تاثیرات یادشده رابطه وجود دارد و به عوامل گوناگونی از قبیل شرایط داخلی، زندان امکانات و مدیریت زندان و متغیرهای فردی بستگی دارد با شرایط حاضر تضاد بین ممانعت از ارتکاب جرم از طرف مردم عادی یا تاثیر در مجرم و تلاش در جهت همنوایی با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی در زندان امکان پذیر نیست مگر آن که راهکارهای جدیدی در این زمینه ارائه شود.

با توجه به اینکه بخشی از بزهکاران بعد از تحمل مجازات دوباره مرتکب جرم میشوند برخورد صحیح و اصولی با آنها و جلوگیری از تکرار جرم تاثیر بسزائی در تامین بخش مهمی از امنیت جامعه دارد طبیعی است که در صورت عدم اجرای درست مجازاتها و عدم برخورد صحیح با بزهکاران نه تنها هدف اصلاح بزهکاران تامین نمیشود بلکه زمینههای تکرار جرم توسط آنها نیز مهیا خواهد شد. برخی زندانی ها پس از آزادی برای شروع یک زندگی سالم مشکل دارند؛ نداشتن پس انداز و سرمایه ، حرفه و تخصص ، داشتن سوء پیشینه برای استخدام بدینی و بی اعتمادی جامعه به آنها و نب ود ضامن برای اشتغال باعث میشود این افراد دوباره مرتکب جرم شوند و به زندان بازگردند بزهکاری که پس از تحمل کیفر حبس از زندان آزاد شده و وارد اجتماع می شود، برسر راه اشتغال خویش موانع بی

شماری مییابد و حتی در بسیاری از موارد به دلایلی همچون غیبت طولانی از محیط کار به بی اعتمادی به او و از دست دادن سرمایه، شغل سابق خود را نیز از دست داده است. بدیهی است هرچه حساسیت این مشاغل نسبت به زندان بیشتر باشد، برگشت مجدد به کار و یافتن شغل مشابه آن مشکل تر خواهد بود. این امر در روحیه و شیوه نگرش زندانی آزادشده تاثیر می گذارد و تغییراتی در شخصیت او به وجود می آورد که به، ناچار او را به کارهایی سوق میدهد که نسبت به زندان و مجازات تاثیر پذیر نباشد؛ زیرا این افراد در مقابل وسوسهها به قدری ضعیف هستند که توان مقاومت ندارند و نمیتوانند خود را با اوضاع جدید پس از زندان تطبیق دهند؛ بنابراین شاید دوباره به جرایم قبلی خود مانند سرقت، کلاهبرداری فروش مواد مخدر و تکدیگری روی بیاورند. فرد زندانی که پس از رهایی، پس انداز و سرمایه ای ندارد در واقع آزادی برای او به معنای بازگشت به شرایط وقوع جرم است. وقتی فقر، بیکاری کم سواد بودن، نداشتن مهارت و تخصص و شرایط خانوادگی نامناسب در جامعه پررنگ باشد، دور کردن موقت فرد از آنها سودی ندارد و زمانی که نتواند شغل و پایگاه اجتماعی مناسبی در جامعه کسب کند دوباره به سمت ارتکاب جرم - کشیده می شود. همچنین ترک تکرار جرم به پایان دادن رفتارهای مجرمانه میان کسانی که در گذشته مرتکب جرم میشوند اشاره میکند، توقف فعالیت های مجرمانه میتواند به طور گستردهای متفاوت باشند و نظریه پردازان تشخیص میدهند که دست برداشتن از ارتکاب جرم یک فرآیند مهم برای مجرمانی است که به طور مستمر درگیر رفتار های مجرمانه هستند.

تردیدی نیست که اعمال مجازاتهای فوق العاده خشن که موجبات طرد یا حذف کامل بزهکار را فراهم می آورده اند مانع از آن نبوده اند که تکرار جرم، پدیده ای شایع و قابل توجه باشد. یکی از آثار متصور از زندان ها که در نتیجه باعث رشد آنها و صدور رأی های حبس شده احتمالاً آثار مجازات حبس و جنبه تنبیهی و نتیجتاً اصلاح فرد در زندان و بازگشت وی به یک زندگی شرافتمندانه و پیشگیرانه از تکرار جرم و در نتیجه بهبود سلامت جامعه است؛ البته گاهی اوقات جنبه ارعابی بزه بر بزهکار و ترس او از مجازات مجدد و بازگشت مجدد به زندان نیز میتواند جنبه پیشگیرانه داشته باشد. متأسفانه در سالهای اخیر نتایج مطالعات حقوقدانان و جامعه شناسان در این زمینه بسیار منفی بوده است و نشان دهنده آثار مخرب زندانها بر تکرار جرم زندانیان است زیرا اگر در زندانها فقط به جنبه ارعابی آن توجه شود و در بعد اصلاح و تربیت زندانیان کوشا نباشند زندانیان دوباره سعی در تکرار جرم دارند. یکی دیگر از کارکردهای زندان ها ناتوان سازی زندانیان است، بدین معنی که با اجرای مجازات سالب، آزادی مرتکب برای مدتی از جامعه طرد شده خطر او برای جامعه از بین میرود حفظ اجتماع و نظم عمومی و هم اینکه خطری خود مرتکب را تهدید نمی کند حفاظت از حقوق متهم و محکوم از بزه دیدگان یا سایر افراد و نیز حفظ ادله جرم و هم اینکه میتوان زندانیان را طبقه بندی کرد و تحت روشهای اصلاحی خاص قرار داد تا در طول اقامت در زندان به افرادی قانون پذیر و اجتماعی تبدیل شوند. هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل تکرار جرم و راهکارهای پیشگیری از تکرار جرم زندانیان آزاد شده می باشد

تعریف تکرار جرم

ماده 48 قانون مجازات اسلامی ایران بیان می‌کند که تکرار جرم زمانی محقق می‌شود که فرد پس از اجرای حکم قبلی، مرتکب جرم تعزیری دیگری گردد. در این ماده، تکرار جرم به صراحت به «اجرای حکم» مربوط شده است، بدین معنا که اگر فردی بعد از محکومیت قطعی اما قبل از اجرای مجازات یا در حین اجرای آن مرتکب جرم جدیدی شود، این جرم به عنوان تکرار جرم در نظر گرفته نمی‌شود و صرفاً به عنوان یک جرم ساده تلقی خواهد شد. این رویکرد با دیدگاه‌های قبلی که تکرار جرم را به وجود محکومیت قطعی مربوط می‌کرد متفاوت است. با این حال، تبصره این ماده تردیدهایی ایجاد کرده است که ممکن است مفهوم تکرار جرم را گسترده‌تر کند، به‌ویژه در شرایطی که محکومیت‌های سابق مجرم بعداً کشف شود. این تبصره موجب شده تا برخی از حقوقدانان شرط تحقق تکرار جرم را صرفاً وجود محکومیت قطعی بدانند، نه اجرای آن.

به رغم ابهاماتی که در تبصره ماده 48 وجود دارد، نظر غالب در تفسیر این ماده این است که تکرار جرم نیازمند اجرای حکم قبلی است، نه صرفاً صدور حکم محکومیت قطعی. این تفسیر با اصول تفسیر قوانین کیفری مانند **اصل تفسیر مضیق و اصل تفسیر به نفع متهم** سازگار است، زیرا در این صورت از اختیارات دادگاه برای تشدید مجازات تنها پس از اجرای کامل حکم استفاده می‌شود، نه در حین یا قبل از اجرای آن. به این ترتیب، دامنه مصادیق تکرار جرم محدودتر می‌شود و حقوق متهم به نفع او تفسیر می‌شود.

در واقع، تبصره ماده 48 مشابه تبصره 4 ماده 25 قانون مجازات عمومی سابق است که در آن هم به شرایطی پرداخته شده بود که در آن محکومیت‌های سابق مجرم بعد از صدور حکم جدید کشف می‌شد. در این صورت، دادگاه می‌توانست مجازات جدید را بر اساس این محکومیت‌های کشف شده اعمال کند. این تبصره در قانون جدید همچنان اعتبار دارد و نشان‌دهنده نوعی انعطاف در برخورد با مجرمین است، به‌ویژه در مواردی که اطلاعات کامل در زمان صدور حکم در دسترس نباشد.

اگرچه از نظر منطقی برخی از کارشناسان حقوقی معتقدند که باید تفسیر قانون به گونه‌ای باشد که تنها پس از اجرای حکم، تشدید مجازات اعمال شود، با این حال مواردی مانند ماده 48 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 و اصلاحات آن در سال 1392 نشان‌دهنده تغییراتی در رویکرد قانون‌گذار به تکرار جرم هستند. در واقع، قانون‌گذار تلاش کرده است با تصویب این مواد، توازن بین حقوق فرد و جامعه را در نظر بگیرد و از طرفی نیز از ابهام‌های قانونی جلوگیری کند.

در سال 1392، قانون مجازات اسلامی دچار تغییراتی در مبحث تکرار جرم شد. طبق این تغییرات، قانون‌گذار صدور حکم قطعی را به عنوان معیار تکرار جرم در نظر گرفته است و این موضوع باعث تشدید برخورد با مجرمین می‌شود.

در این اصلاحات، علاوه بر جرم‌های تعزیری، محدودیت‌هایی برای جرائم سیاسی و مطبوعاتی اعمال شده است. این تغییرات باعث افزایش دقت و سخت‌گیری در برخورد با مجرمین خطرناک شده و برای آن‌ها که پیشینه مجرمانه دارند، مجازات‌های شدیدتری در نظر گرفته شده است.

ماده 136 از قانون مجازات اسلامی 1392 که بین صدور حکم قطعی و شمول مرور زمان یا اعاده حیثیت محدودیتی ایجاد کرده، گامی مثبت در جهت جلوگیری از بروز مشکلات قانونی و تضمین عدالت است. این ماده همچنین نشان‌دهنده حرکت به سوی تشدید مجازات در قبال مجرمین خطرناک است. با این تغییرات، جامعه می‌تواند اطمینان حاصل کند که مجرمان خطرناک پس از اجرای مجازات قبلی، با برخورد شدیدتری مواجه خواهند شد.

در نهایت، تغییرات در قانون مجازات اسلامی 1392 نشان‌دهنده رویکرد سختگیرانه‌تری نسبت به مجرمان خطرناک و افرادی است که سابقه جرم دارند. این اصلاحات در کنار محدودیت‌های جدید برای جرائم سیاسی و مطبوعاتی، نشان‌دهنده توجه بیشتر قانون‌گذار به خطرات ناشی از تکرار جرم است و هدف آن جلوگیری از بازگشت مجرمین به دنیای جرم و جنایت است.

عوامل اجتماعی مؤثر بر تکرار جرم و بازگشت دوباره به زندان

براساس تحقیقات انجام شده سطح خانواده، پایگاه اجتماعی، علمی و جایگاه‌های شناخته شده فرد در عرصه فرهنگ تأثیر مستقیم و رابطه معکوسی با جرم و بزهکاری دارد. هر میزان سطح خانواده از جنبه‌های مختلف بالا باشد میزان جرم و جنایت پایین می‌آید. چنانچه فردی به دلیل این عوامل همچون فقر یا بیکاری در کنار سایر عوامل، وارد فضای جرم شده و زندان رفته است، پس از اینکه از زندان آزاد می‌شود، باز هم با همین عوامل روبه‌رو می‌شود؛ در نتیجه باید باز هم در انتظار گرایش فرد به سمت جرم در سطح بالایی باشیم (احمد، 1392).

افراد پس از زندان تبدیل به فردی جنایتکار نمی‌شوند و نمی‌توان به این موضوع صرفاً به صورت تک بعدی نگاه کرد، بلکه سلسله عوامل فرهنگی، آموزشی و تربیتی دست به دست هم می‌دهد تا فردی به عنوان یک مجرم پا به عرصه اجتماع بگذارد. اگر شرایط تربیتی و اصلاحی زندان مطابق با آنچه در رسالت کانون‌های اصلاح و تربیت تعریف شده، به طور واقعی وجود داشته باشد فرد مجرم باید تادیب بشود و برای آزاد شدن لحظه شماری کند. اگر زندان دارای فضای تربیتی، اصلاحی، علمی و تأمین کننده کم بودهای عاطفی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی، نباشد فرد توسط همسالان خود با همذات پنداری در رابطه با جرمی که انجام می‌دهد، احساس آرامش می‌کند در نتیجه احساس گناه، کنترل درونی و عذاب وجدانی که تا پیش از ورود به زندان داشته است از بین می‌رود و خود را با افراد درون زندان که سابقه بیشتری دارند مقایسه می‌کند.

پس از آزادی زندانیان، حمایت خانواده نقش اساسی در جلوگیری از بازگشت آن‌ها به جرایم و بهبود وضعیت اجتماعی‌شان دارد. بسیاری از زندانیان، به ویژه کسانی که با مشکلات روانی یا اجتماعی مواجه هستند، در صورت عدم حمایت خانواده، به سرعت تحت تاثیر الگوهای مجرمانه قرار می‌گیرند. این افراد معمولاً هویتی آشفته دارند و به راحتی در جمع همسالان خود هویت زندانی پیدا می‌کنند. برچسب "مجرم" و "زندانی" که بر آن‌ها زده می‌شود، باعث می‌شود نتوانند به یک زندگی سالم و سازنده بازگردند و روحیه جرمانگاران در آن‌ها تثبیت می‌شود. در چنین شرایطی، حمایت خانواده و جامعه می‌تواند نقش مهمی در بازسازی هویت و انگیزه‌های این افراد داشته باشد.

در صورت عدم حمایت از زندانیان آزاد شده، انگیزه‌های آن‌ها برای ارتکاب مجدد جرم تقویت می‌شود. وقتی فردی پس از آزادی از زندان احساس می‌کند که از خانواده و جامعه خود جدا شده و ارزش اجتماعی‌اش کاهش یافته، احتمال بازگشت او به جرم زیاد می‌شود. جامعه‌ای که نتواند بی‌نظمی‌ها و مشکلات خود را مدیریت کند، انگیزه‌های بیشتری برای ارتکاب جرم در افراد ایجاد می‌کند. ساختارهای اجتماعی، مانند آموزش و پرورش و نهادهای دینی، تأثیر زیادی در فرآیند اجتماعی شدن فرد دارند. عدم توانایی فرد در دریافت صحیح این فرآیند اجتماعی می‌تواند او را در مواجهه با گروه همسالان به سمت ارتکاب جرم هدایت کند.

برچسب زدن به زندانیان آزاد شده یکی از عواملی است که باعث بازگشت آن‌ها به جرم می‌شود. اگر جامعه و نهادهای اجتماعی از برچسب زدن به این افراد خودداری کنند و پذیرش آن‌ها را در ابتدا توسط خانواده و سپس جامعه فراهم کنند، احتمال بازگشت به جرم کاهش می‌یابد. اگر افراد پس از آزادی از زندان از خدمات اجتماعی، شغلی، تحصیلی و فرهنگی محروم شوند، این محرومیت‌ها باعث تثبیت رفتار مجرمانه در آن‌ها می‌شود. بنابراین، این افراد باید از امتیازات اجتماعی و فرهنگی برخوردار شوند تا بتوانند به یک زندگی سالم و مؤثر در جامعه بازگردند.

احکام قضائی گاهی بازدارندگی مناسب ندارند، به ویژه در جرایم تکراری مانند سرقت. تکرار جرم نشان‌دهنده این است که مجازات‌ها و برخوردهای قضائی به اندازه کافی بازدارنده نیستند. بسیاری از سارقان با سوءاستفاده از رأفت قضائی و مجازات‌های سبک، دوباره به جرایم خود ادامه می‌دهند. در این موارد، لازم است که برخوردهای قضائی با دقت بیشتری صورت گیرد و مجازات‌های سنگین‌تری در نظر گرفته شود تا از تکرار جرم جلوگیری شود. همچنین، نقش شاکی خصوصی در برخی از جرایم باید کم‌رنگ شود تا دستگاه قضائی بتواند تصمیمات سختگیرانه‌تری اتخاذ کند.

ایجاد اشتغال یکی از مهم‌ترین راهکارها برای جلوگیری از بازگشت زندانیان به زندان است. پس از آزادی، زندانیان نیاز دارند که مهارت‌های شغلی بیاموزند تا بتوانند خود و خانواده‌شان را اداره کنند. آموزش اشتغال در زندان‌ها و فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای زندانیان آزاد شده می‌تواند نقش موثری در جلوگیری از بازگشت آن‌ها به جرم

داشته باشد. با این رویکرد، می‌توان هزینه‌های نگهداری زندانیان را کاهش داد و از وقوع جرم‌های جدید جلوگیری کرد. پیشگیری از وقوع جرم همیشه بهتر از درمان آن است، و این امر باید با سرمایه‌گذاری در آموزش و توانمندسازی افراد صورت گیرد.

علاوه بر اشتغال‌زایی، کاهش هزینه‌های نگهداری زندانیان در سیستم قضائی و توجه به آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. در کنار این مسائل، باید فرهنگ جامعه نیز بالا برود تا این افراد احساس رهاشدگی نکنند و به جامعه بازگردند. مجازات حبس به‌عنوان یک مجازات پرکاربرد در سیستم قضائی باید جایگزین‌هایی داشته باشد که به اصلاح فرد کمک کند و از تکرار جرم جلوگیری نماید. باید تلاش کرد تا زندانیان پس از آزادی با حمایت‌های لازم به جامعه بازگردند و از اشتباهات گذشته خود درس بگیرند.

راهکارهای پیشگیری از تکرار جرم بعد از آزادی

در نظام کیفری ایران، رویکرد دوگانه‌ای در برخورد با مجرمان و اعمال کیفرها مشاهده می‌شود. این رویکرد از یک طرف، به اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، تعویق و تعلیق مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط و مجازات‌های تکمیلی می‌پردازد که با هدف اصلاح و بازسازی مجرمین در نظر گرفته شده است. این نوع مجازات‌ها به بزه‌کاران فرصت می‌دهد تا با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های انسانی خود، مسیر اصلاح را طی کنند. از سوی دیگر، برخی مجازات‌های تعزیری همچون انتشار حکم محکومیت قطعی، محرومیت از حقوق اجتماعی و شلاق به کار گرفته می‌شود که بیشتر بر جنبه تنبیهی و مجازات‌گرایانه تأکید دارند. این نوع مجازات‌ها، هرچند ممکن است جنبه بازدارندگی داشته باشد، اما به دلیل عدم توجه کافی به کرامت انسانی مجرمان و بازسازی شخصیت آن‌ها، می‌تواند به تکرار جرم منجر شود.

در این میان، نکته مثبت در قانون مجازات اسلامی این است که برای بزه‌کارانی که محکوم به مجازات‌های حدی و قصاص شده‌اند، امکان اعمال مجازات‌های تکمیلی فراهم آمده است. این امر نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به روند اصلاح و بازپروری حتی برای مجرمان با جرایم سنگین‌تر است و می‌تواند به کاهش تکرار جرم کمک کند. با این حال، استفاده از مجازات‌های تکمیلی برای کسانی که به جرم‌های سنگین‌تر محکوم شده‌اند، گام مؤثری در جهت فراهم کردن فرصت برای بازسازی شخصیت و بازگشت به جامعه است.

آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در تاریخ ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ مصوب شده، به‌طور ویژه به مسئله بازسازی و بازپروری بزه‌کاران در کنار تحمل کیفر پرداخته است. طبق ماده ۳ این آیین‌نامه، زندان نه تنها محلی برای تحمل کیفر، بلکه مکانی است برای حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی زندانیان. هدف از اجرای مجازات حبس علاوه بر تنبیه، این است که زندانیان پس از آزادی بتوانند زندگی سالم و مستقل داشته باشند و

از بزهکاری دوباره خودداری کنند. برنامه‌های حرفه‌آموزی و بازپروری برای زندانیان که پس از مدت معین آزاد می‌شوند، از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا این افراد پس از آزادی باید قادر به انطباق با زندگی اجتماعی جدید خود باشند و با مهارت‌های جدید، از تکرار جرم جلوگیری کنند.

اگر زندانیان پس از اتمام مدت حبس، اصلاح نشده و روش‌های زندگی صحیح اجتماعی را نیاموخته باشند، احتمال بازگشت آن‌ها به بزهکاری افزایش می‌یابد. این مسئله به‌ویژه برای زندانیانی که پس از مدت زمان مشخص آزاد می‌شوند، بحرانی‌تر است، چراکه این افراد پس از آزادی، بدون مهارت‌های اجتماعی و با همان رفتارهای بزهکارانه قبلی، احتمالاً وارد جامعه می‌شوند و در مواردی حتی ممکن است تکنیک‌های جدیدی از بزهکاری را در زندان بیاموزند. این امر باعث می‌شود که تکرار جرم در بین این افراد بیشتر شود.

بنابراین، ضروری است که برنامه‌های بازپروری و بازسازگاری به‌ویژه برای زندانیانی که مدت زمان حبس آن‌ها به پایان می‌رسد، به‌طور جدی‌تر پیگیری شود. این برنامه‌ها باید شامل آموزش مهارت‌های زندگی، مشاوره‌های روانشناختی و حمایت‌های اجتماعی برای بازگشت به جامعه باشد. در غیر این صورت، زندانیانی که هیچ‌گونه مهارت اجتماعی و توانایی انطباق با شرایط جدید نداشته باشند، به راحتی به مسیر بزهکاری باز می‌گردند.

به‌طور کلی، نهادهای قضائی و سازمان‌های مرتبط با زندان‌ها باید تلاش کنند تا سیستم بازسازگاری و بازپروری زندانیان را به‌طور کارآمدتری اجرا کنند. این امر نه تنها برای کاهش تکرار جرم ضروری است، بلکه به کاهش هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از زندانیان بازگشتی به زندان نیز کمک خواهد کرد. استفاده از فناوری‌های نوین برای نظارت و مدیریت زندانیان و همچنین اعمال برنامه‌های آموزشی و حمایتی می‌تواند در این زمینه مؤثر واقع شود. در نهایت، رویکرد جامع‌تری که همزمان به مجازات، بازپروری و پیشگیری از تکرار جرم توجه داشته باشد، می‌تواند راه‌حل‌های مؤثری برای کاهش تکرار جرم و بازگشت مجرمان به جامعه فراهم کند. تنها با یک رویکرد هماهنگ بین نهادهای قضائی، اجتماعی و خانوادگی است که می‌توان به بازسازی شخصیت زندانیان کمک کرد و از وقوع جرایم جدید جلوگیری نمود.

بند ۴ ماده واحده احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ بر رعایت موازین اخلاقی و اسلامی با مرتکبان جرایم تأکید نموده و رعایت و اجرای آن را برای کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی، دادسراها و ضابطان قوه قضائیه در انجام وظایف قانونی خویش، تکلیف کرده است. همچنین، مباحثی از جمله ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف به آنان در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق (بند ۶) پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن معلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون از سوی بازجویان و مأموران تحقیق (بند ۷) منع تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیائی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به

متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها، نوشته ها و عکس های فامیلی و فیلم های خانوادگی و ضبط بی مورد آنها در بازرسی ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم (بند ۸)، منع شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر (بند ۹)، منع کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده (بند ۱۱)، منع دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان (بند ۱۴)، در این قانون به عنوان الزام و تکلیف مطرح شده است که نه تنها بر موازین و رویکردهای کرامت مدار تأکید دارد بلکه در کاهش زمینه های مؤثر در ارتکاب مجدد جرم از سوی بزهکار نیز تأثیرگذار است.

آثار اعمال مجازات های مبتنی بر رفتار کرامت مدار در پیشگیری از تکرار جرم

تأثیر انواع مجازات ها و کیفیت اجرای آنها در افزایش یا کاهش زمینه های تکرار رفتار مجرمانه، غیرقابل انکار است. بدیهی است که حس بیگانگی، کینه و حتی نگاه دشمن مدارانه به جامعه در نتیجه اجرای مجازات های تریبی ترذیلی و کیفرهایی است که بسترهای بازاجتماعی شدن بزهکاران را در معرض خطر قرار می دهند. کیفرهایی که با پررنگ تر کردن و یا غالب کردن شرم طردکننده (به جای شرم بازگرداننده) راه را برای بازگرداندن بزهکار به اجتماع و تلاش برای ادغام شدن در جامعه از سوی وی می بندند و به عبارت دیگر فاقد ابزارهای تشویقی و باز پرورانه هستند. علت عمده این نتایج نیز در تعارض بدون این نوع مجازات ها و یا کیفیت اجرای آنها با مضامین کرامت انسانی و به چالش کشیدن شخصیت و کرامت بزهکار در بستر اجتماعی است که بزهکار قرار است مجدداً به آن بازگردد (رحیمی نژاد، ۱۳۹۱).

رفتارهایی که در طول تحمیل مجازات با بزهکار صورت می گیرد برای همیشه در خاطر او خواهد ماند. این رفتارها هرچه که باشند، در ادامه زندگی هر بزهکاری قاعدتاً نقش مهمی را خواهند داشت. حال هرچه این رفتارها هدفمند و برنامه ریزی شده و با توجه به توانایی ها و استعداد های بزهکار باشد و سعی در رفع مشکلات (جسمی، روانی، اجتماعی، مالی و ...) کند در واقع بزهکار را از نوعی بیماری که به آن مبتلا بوده است، رهایی خواهد داد و بعد از تحمل کیفر، یک فرد سالم وارد اجتماع خواهد شد. در واقع با متوسل شدن به کیفر از ارتکاب دوباره جرم پیشگیری خواهد شد. به صورت کلی منظور از پیشگیری کیفری، هدفی است که قانونگذاران با اعمال مجازات نسبت به بزهکاران به طور عام و تشدید آن نسبت به بزهکاران مکرر به طور خاص، تعقیب می نمایند و امیدوارند با تحمیل مجازات از ارتکاب بعدی جرایم توسط این بزهکاران جلوگیری به عمل آید.

لذا باید توجه داشت که ارتکاب جرم توجیه کننده برخوردهای خودسرانه و توسل به هر طریق برای کنترل بزهکاران نمی باشد چرا که فرد بزهکار نیز یکی از شهروندان یا افراد جامعه انسانی است که دارای حقوق و کرامت انسانی می باشد، لذا در تحمیل مجازات ها باید اصول اعمال مجازات ها از جمله اصل تناسب جرم و مجازات، اهمیت جرم

ارتكابی، نوع جرم ارتكابی، خصوصیات شخصیتی بزه‌كار و حتی تقصیر بزه دیده مورد توجه باشد. لذا صرف در نظر گرفتن اهداف کیفرشناختی یعنی تنبیه و اصلاح بزه‌كار، پیشگیری عمومی و خصوصی و تأمین دفاع اجتماعی منجر به استفاده ابزاری از انسان و حیثیت و کرامت ذاتی خواهد شد که در قالب مجازات‌های نامتناسب اعمال می‌شوند.

جایگاه مراقبت بعد از زندان در پیشگیری از تکرار جرم

پیشگیری صرفاً در زندان کارساز نبوده و نخواهد بود و زندانی بعد از خروج از زندان نیازمند مراقبت و نظارت است. مراقبت بعد از خروج به مرحله بعد از تحمل و اجرای کیفر زندان اطلاق می‌شود و شاید بتوان این مرحله را با دوره نقاهت در علم پزشکی مقایسه کرد. همانطور که می‌دانیم جرم شناسی بالینی از اصول چهارگانه علم پزشکی تبعیت میکند که عبارت است از: مشاهده، تشخیص، تجویز، عمال نسخه. گروهی مرحله پنجمی را نیز مطرح می‌کنند که عبارت است از نظارت بر دوران نقاهت که در علم اداره زندان‌ها از آن می‌توان به «مراقبت بعد از خروج» تعبیر کرد. شناسایی نظریه‌های جرم‌شناختی از بررسی زمینه شکل‌گیری، ضرورت، اصلاح و درمان و پیشگیری از تکرار جرم و نیز انواع راهکارهای متصور در این مرحله جدا نیست. همانطور که در بالا اشاره شد، می‌توان جرم‌شناسی بالینی را خاستگاه مرحله پساکیفری دانست. تکرار جرم به عنوان یکی از مظاهر حالت خطرناک جوامع مختلف را به موضع‌گیری‌های متنوعی واداشته است. امروزه بررسی عواملی که سبب می‌شود اشخاص به سمت ارتکاب جرم بروند که شامل فقر، وضعیت خانوادگی و شخصیت فرد که در خانواده وی شکل گرفته است نتایج بهتری برای به کار بردن در برنامه‌های بازپرورانه داشته است، علاوه بر برنامه‌های اصلاحی زندان‌ها شخص محکوم پس از گذراندن دوران محکومیت خود باید در بیرون از زندان و جامعه هم شرایط مناسب زندگی داشته باشد تا انگیزه او برای اجتماعی شدن باقی بماند. اگر فرد پس از آزادی به خاطر سابقه کیفری در جامعه طرد شود و برای به دست آوردن شغل مناسب با مشکل مواجه شود انگیزه وی برای تکرار جرم افزایش می‌یابد. در گذشته روش مجازات‌های بدنی به کار برده می‌شد که هدفی جز ترسیدن افراد بیرون از زندان برای تکرار جرم نداشتند. (عبدی، 1389)

نظریه اشتغال زندانی یعنی کاهش تکرار جرم

انسان بیکار افکار ناجور به ذهنش خطور می‌کند و چه بسا این افکار در تار و پود ذهنش ریشه دوانده باشد. شاید این که می‌گویند در محیط زندان هر جور خلاقی را می‌توان یاد گرفت به همین دلیل است چرا که وقت‌های تلف شده آفت زندان است.

زندانیان پس از پایان دوره محکومیت و رهایی از حبس با مشکلات زیادی روبرو میشوند. عدم توجه خانواده در حمایت از زندانیان آزاد شده و یا ناتوانی در حمایت از آنان، طرد و اخراج از محل کار، عدم کامیابی در یافتن شغل مناسب و بسیاری از مشکلات دیگر سبب می‌شود که زندانیان موقعیت شغلی، اقتصادی و اجتماعی سابق خود را از

دست بدهند. از این رو ممکن است اغلب آنان به ارتکاب مجدد جرم و پناه بردن به محیط های نامناسب و دوستان نااهل روی آورند. یقیناً وجود مؤسسه ای پس از آزادی زندانیان در راستای حمایت و مراقبت از آنان و ایجاد اشتغال برای این افراد که صاحبان مشاغل از دادن کار به این افراد به سبب پیشینه ای که دارند اجتناب می کنند بسیاری از مشکلات و معضلات ذکر شده آنان را حل خواهد کرد. چرا که در صورت اشتغال و ایجاد دغدغه ذهنی ناشی از کار، دیگر مجالی برای اندیشه مجرمانه و به تبع آن ارتکاب جرم باقی نمی ماند (جهانی جناقرد و هاشمی شهری، 1400)

نظریه واکنش اجتماعی در تمامی نظام های حقوقی دنیا، زمانی که یک شخص حقیقی یا حقوقی مرتکب بزه ای از هر نوع گردد با عنایت به شدت وضعف آثار مخرب آن جرم، به جهت برهم زدن نظم عمومی و اخلاق حسنه در آن جامعه، این نظام در پی اعاده آسیب های وارده، مجازاتی را برای خاطیان در نظر میگیرد تا ضمن بازگرداندن نظم لطمه دیده از ارتکاب جرم به جامعه مرتکب نیز اصلاح و متنبه شد و از تکرار عمل خود خوددای ورزد. از این رو، توقع می رود زمانی که شخصی پس از ارتکاب جرم و محکومیت قطعی و اجرای آن مجازات یا مجازات ها جهت بازگرداندن آن آسیب ها و رسیدن به اصلاح، مجدداً مرتکب بزه ای دیگر گردد، بایستی این مجازات اثر مضاعفی نسبت به کیفر پیشین داشته باشد. به عبارت دیگر طبق نظریه واکنش اجتماعی ایجاب می نماید که میان فردی که پس از محکومیت پیشین و اجرای مجازات ناشی از آن متنبه نشده است و مجدداً دست به ارتکاب جرم می زند با فردی که پس از محکومیت سابق و اجرای مجازات ناشی از آن، متنبه و اصلاح شده قائل به تفکیک شد، زیرا کسی که به ارتکاب بزه خو کرده و پس از محکومیت سابق دوباره مرتکب جرم شده است خطرناک تر و جامعه سئیزتر از فردی است که پس از محکومیت پیشین خود اصلاح شده و به آغوش اجتماع باز می گردد بنابراین ایجاب می کند که واکنش جامعه نسبت به این مرتکب شدیدتر از مرتکبی باشد که پس اعمال مجازات عبرت گرفته و از ارتکاب مجدد جرم خودداری کرده است. پس با این توضیح می توان تشدید مجازات در حالت تکرار جرم را توجیه نمود (اردبیلی، 1392)

پذیرش مجازات بیشتر در تکرار جرم از منظر جرم شناسی

نظریه سزادهی

جامعه برای تنظیم روابط اجتماعی میان افراد و حفظ اساسی ترین ارزش های حاکم بر روابط آنها ناگزیر است علیه بزهکاری و هنجار شکنی از خود واکنش نشان دهد و مرتکب را به سزای عمل خود برساند. از این رو منطق و عدالت حکم می کند میان فردی که فقط یک بار مرتکب جرم شده با فردی که با رفتار خود بارها هنجار شکنی کرده و مرتکب جرایم متعدد گشته تفاوت گذاشت. چرا که این فرد از مجرمیت و درجه تقصیر بیشتری نسبت به مرتکب جرم

واحد برخوردار است و علی الاصول باید مجازات بیشتری در انتظار او باشد. بنابراین در راستای اهداف مجازات‌ها که مبتنی بر سزادهی و بازدارندگی است باید مجازات بیشتری را متحمل شود (پیکا، 1390).

نظریه حالت خطرناک

در توضیح این نظریه همانطور که پیش‌تر به آن پرداخته شد باید گفت؛ مفهوم حالات خطرناک در قرن نوزدهم و بر مبنای ضرورت تأمین دفاع اجتماعی توسط نظریه پردازان مکتب تحقیقی مطرح شد است؛ پذیرش نظریه حالات خطرناکتر به عنوان مبنایی برای واکنش در قبال رفتار مجرمانه این اجازه را به جامعه می‌دهد تا در دفاع از خود و به عنوان واکنشی پیشگیرانه، صاحبان حالت خطرناک را طرد و با اعمال مجازات شدیدتر آنها را سرکوب کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که حالات خطرناک تهدیدی است که بزهکار برای جامعه دارد که جامعه را وارد به اعمال واکنشی شدیدتر نسبت به این افراد در مقایسه با بزهکارانی که از این حالت برخوردار نیستند می‌کند؛ نشانه‌های توجه مقنن به این مفهوم (حالات خطرناک) در جای جای قانون مجازات اسلامی از جمله تکرار جرم دیده میشود (عینی، 1390).

بررسی آثار مثبت مجازات زندان

زندان به عنوان یکی از طریق عقوبت انسان‌هایی که مرتکب بزه و اعمال مهمی می‌شوند که از قدیم الایام در دنیای معمول بوده است. به تدریج در اثر نفوذ افکار مصلح، خصوصاً تعلیمات پیامبران الهی توجه به کرامات ذاتی انسان و در نتیجه بازپروری محکومین مورد اهمیت قرار گرفته است و در قانون هر کشور برای جلوگیری از وقوع و تکرار جرایم و مهار کردن مجرمین و افراد خطرناک، کیفر زندان پیش‌بینی شده است و به همین علت موضوع زندان و حقوق زندانیان مورد توجه قرار

گرفته است. البته گاهی اوقات جنبه ارعابی بزه بزهکار و ترس او از مجازات مجدد و بازگشت مجدد به زندان نیز می‌تواند جنبه پیشگیری داشته باشد. آنچه در عمل به آن رسیده ایم اینست که اگر جنبه اصلاحی زندان مدنظر نباشد جنبه ارعابی آن به تنهایی نمی‌تواند باعث پیشگیری از تکرار جرم باشد (کشاورز، 1400).

نظریه های مرتبط با نظریه ترک تکرار جرم

نخستین چارچوب نظری، نظریه انتخاب عقلایی^۲ از کورنیش و کلارک^۳ (۱۹۸۶) است که این نظریه تلاش میکند روابط بین فعالیت های جنایی و دسترسی بلندمدت به فرصت های اقتصادی را توضیح دهد. این چارچوب نظری فرض

^۲ Rational Choice

^۳ Cornish Clark

می‌کند که مجرم هزینه و سود ارتکاب جرم را با فرصت‌های اقتصادی بلند در بازارهای غیر جنایی مقایسه و محاسبه می‌کند. اگر یک مجرم در یابد که توانایی برای به دست آوردن سودهای مشروع و قانونی بیش‌تر از سودهای خالصی است که در ارتکاب جرم هست این فرد کمتر درگیر فعالیت - های مجرمانه می‌شود.

نظریه فعالیت‌های روزمره هیند لانگ^۴ و همکاران (۱۹۷۸) با چارچوب نظریه انتخاب عقلایی منطبق است. این نظریه بحث می‌کند اگر فردی زمان بیشتری را با خانواده بگذراند یا درگیر یک شغل پایدار باشد این فرد کم‌تر مرتکب جرم می‌شود.

چارچوب نظری دوم؛ نظریه یادگیری است. طرف دارن نظریه یادگیری بحث می‌کنند که مجرمان رفتارهای جنایی را از کسانی که با آنها در ارتباط هستند، به خصوص همسالان خود یاد می‌گیرند (آکرز؛ ساترلند، ۱۹۴۷) حامیان نظریه یادگیری استدلال می‌کنند که این امر یک حقیقت در نظریه بهبود دوره زندگی است که: همان گونه که مردم به طور فزاینده‌ای درگیر در روابط با بزرگسالان و روابط کاری هستند و در نهایت وقت کم‌تری را با همسالان جنایی خود می‌گذرانند در نتیجه کمتر درگیر رفتارهای مجرمانه می‌شوند. علیت جنایی و ترک تکرار جرم با یکدیگر در ارتباط هستند. مسئولیت‌های شخصی اگر در طول زمان افزایش یابد، فرصت‌های کمتری را برای همراه شدن با دوستان ایجاد می‌کند بنابراین تقویت شدن رفتارهای مجرمانه با گروه همسالان کمتر اتفاق می‌افتد. ازدواج و اشتغال پایدار دارای یک اثر منفی مستقیم برای صرف کردن زمان با گروه همسالان است که این دو متغیر واسطه بین معاشرت‌های غیر جنایی و معاشرت با همسالان است. به عبارت دیگر صرف وقت با همسالان یک اثر مستقیم بر این نکته دارد که آیا یک فرد در بزرگ سالی مرتکب جرم می‌شود یا خیر.

چارچوب نظری سوم مدل رشدمدار^۵ است (موفیت، ۱۹۹۳) طرفداران این نظریه استدلال می‌کنند که نشانه‌هایی از رفتار ضداجتماعی مستمر می‌تواند در اوایل زندگی فرد تشخیص داده شود. این نظریه مدعی است دو گروه از جوانان ضداجتماعی می‌توانند بر پایه سن شروع مشکلات رفتاری و مسیر این مشکلات از هم متمایز شوند. دو گروه از مشمولان نظریه دوره زندگی یعنی «آغاز کنندگان زودهنگام» و مجرمان نوجوان یا «آغاز کنندگان دیر اقدام» به اندازه کافی متفاوت هستند و نیاز است برای هر یک جداگانه توضیحاتی داده شود.

آغاز کنندگان دیر اقدام^۶ معمولاً بعد از بلوغ (پختگی سنی در بزه کاری) دست از ارتکاب جرم بر می‌دارند، آغاز کنندگان زودهنگام^۷ راه ضد اجتماعی خود را در طول زندگی ادامه می‌دهند و احتمال آن زیاد است به مجرمی حرفه

^۴ Hindelang

^۵ Develomantal Model

^۶ Late Starters

^۷ Early Starters

ای^۸ تبدیل شوند. مدل‌های به دست آمده به طور فزاینده می‌کوشند گروهی از مجرمان را در طول دوره زندگی شناسایی کنند و آن گروه را در بزرگ سالی ردیابی می‌کنند.

چارچوب نظری چهارم گرایش مجرمانه^{۱۰} یا مدل ویژگی نهان است. طرفداران این نظریه استدلال کنند که یک صفت با عنوان «خودکنترلی ضعیف» در سن ۱۰ تا ۱۸ سالگی توسعه می‌یابد و در طول دوره زندگی فرد ثابت باقی می‌ماند (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰)

«خودکنترلی ضعیف» یا «کنترل نکردن خود» زمینه ای برای بروز نوعی مشکلات تکانشی است که باعث ارتکاب جرم در مراحل بعدی زندگی می‌شود. خودکنترلی ضعیف با نظارت و مهارت والدین خوب می‌تواند جبران شود. این چارچوب نظری معتقد است که تمام مدل‌های دیگر که درباره «خودکنترلی ضعیف» هستند؛ ناقص هستند زیرا این صفت از آغاز در همه هست و باعث ارتکاب رفتارهای مجرمانه می‌شود (گاتفردسون و هیرشی، ۱۹۹۰ و یلسون و هرنستین ۱۹۸۵) به عبارت دیگر کسانی که دارای خودکنترلی ضعیف هستند افرادی هستند که احتمال کمی هست دارای شغل ثابت بشوند یا احتمال کمی هست اقدام به به انتخاب شرکای خوب برای ازدواج کنند برای کسانی که از این مدل حمایت می‌کنند همه توضیحاتی که درباره دست برداشتن از ارتکاب جرم برای این صفت به حساب نیاید اشتباه هستند. آخرین مدل که در این قسمت در نظر گرفته شده است مدل دوره زندگی^{۱۱} یا مدل تعهدات اجتماعی^{۱۲} است (هیرشی، ۱۹۶۹ سمپسون و لوب، ۱۹۹۳)، در این نظریه فرض می‌شود کسانی که تعهدات اجتماعی ضعیف در سنین نوجوانی داشته اند احتمال بیش تری هست در گیر رفتارهای مجرمانه شوند. طرف دارن این نظریه استدلال می‌کنند نوجوانانی که دارای تعهدات اجتماعی ضعیف هستند احتمال کمی هست که پیوندهای اجتماعی با کیفیتی در بزرگ سالی داشته باشند مگر اینکه نقاط عطف مثبتی در زندگی آنها مانند: ازدواج، اشتغال پایدار و رفتن به خدمت نظامی به وجود این مدل تعهدات اجتماعی دارای بیش ترین حمایت تجربی درباره فرآیند ترک پایداری در جرم است که با جزئیات بیشتری در بخش بعدی شرح داده خواهد شد.

^۸ Career Criminal

^۹ مترجم: آلفرد بلومستاین (A. Blumstein) تحقیقات ارزنده ای در زمینه حرفه مجرمانه (Criminal Career) انجام داده است. او بیان میکند «تبیین رفتار افراد تحت عنوان حرفه مجرمانه با ورود به این حرفه قبل یا در زمان ارتکاب نخستین جرم و خروج از آن در زمان یا بعد از ارتکاب آخرین جرم بسیار مفید است. در طول یک حرفه مجرمانه مجرم تمایل مستمری برای ارتکاب جرم دارد پیاپی بازداشت می‌شود و گاهی محکوم و بعضی اوقات نیز زندانی می‌شود». (غلامی، حسین ۱۳۹۰)، تکرار جرم بررسی حقوقی و جرم شناختی، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان (۱۸۷)

^{۱۰} Criminal Propensity

^{۱۱} Life Course Model

^{۱۲} Social Bonding Model

نظریه درجه بندی سنی کنترل اجتماعی غیررسمی سمپسون و لوب^{۱۳}

نظریه درجه بندی سنی کنترل اجتماعی غیررسمی سمپسون و لوب (۱۹۹۳) مدلی گسترش یافته از نظریه پیوندهای اجتماعی هیرشی بود. با این حال نویسندگان با تمرکز بر روی تفاوت های فردی و پیوندهای اجتماعی به جرم از کودکی تا بزرگ سالی نگاه می کنند و با این نگاه به توضیح آغاز و پایان رفتارهای مجرمانه با تأکید بر تعهدهایی با کیفیت بالا در طول دوره زندگی می پردازند. مدل تعهدات اجتماعی دارای بیشترین حمایت تجربی از فرآیند ترک تکرار جرم است. سمپسون و لوب پیش بینی کردند آنهایی که دارای سرمایه اجتماعی در بزرگسالی

هستند مانند تعهدهای زناشویی با کیفیت و شغل ثابت احتمال بیشتری هست دست از ارتکاب جرم بردارند و به آنچه نقطه عطف در زندگی است باز گردند. نقاط عطف شامل تغییر یا وقفه در مسیر زندگی یا مسیر جنایی فرد است. پدید آمدن نقاط عطف یا تغییر زندگی (داشتن روابط با کیفیت با دیگران، ازدواج، اشتغال پایدار، انجام خدمت نظامی) به احتمال زیاد منجر به دست برداشتن فرد از ارتکاب جرم میشود. فرد دست به ارتکاب جرم میزند و در انجام آن اصرار می کند و آن را ادامه می

دهد و یا در نهایت از انجام آن دست بر میدارد سمپسون و لوب چندین مرحله از دوره های زندگی را که مربوط به نظریه آنها است را شرح داده اند:

از شروع تا سن ۱۸ سالگی هر دو عامل ساختاری وضعیت ضعیف ساختاری اجتماعی - اقتصادی خانواده، اختلال خانوادگی، تحرک مسکونی، طلاق والدین، ازدحام خانوادگی، متولد خارج بودن و اشتغال مادر و تفاوت های فردی (بدخلقی، کج خلقی مداوم، اختلال فیزیکی اولیه) میتواند بر این که یک فرد مجرم شود و به ارتکاب جرم روی بیاورد مؤثر باشد. این متغیرها می تواند بر این که یک شخص چگونه روابط اجتماعی خود را در بزرگ سالی توسعه دهد مؤثر واقع شود. برای نمونه داشتن روابط اجتماعی ضعیف با خانواده (عدم نظارت، تهدید، بی نظمی یا نظم سختگیرانه، طرد شدن از سوی والدین) و یا در مدرسه (حضور ضعیف، عمل کرد ضعیف) و یا اثر پذیرفتن از یک بزه کار (خواهر یا برادر یا همراه بودن با یک بزه کار) بر بزهکاری نوجوانان تأثیر می گذارد.

افرادی که دارای تعهدهای توسعه یافته هستند دیگر مرتکب جرم نمی شوند چون دارای کنترل اجتماعی غیررسمی هستند. تسلسل مداوم در ۱۸ تا ۲۵ سالگی فرآیندی است که فعالیتهای مجرمانه منفی می تواند پیوندهای غیررسمی اجتماعی در مدرسه، دوستان و خانواده را قطع کند و توسعه تعهدات اجتماعی بزرگسالان را به خطر بیندازد. بزه کاری و انحراف در بزرگ سالی ادامه خواهد یافت و در نتیجه رفتارهای مجرمانه ادامه دار خواهد شد و تعهدات، اجتماعی

¹³ Sampson and Laub's Age-Graded Theory of Informal Social Control

ضعیف میشوند تداوم رفتار مجرمانه به طور گسترده می تواند با حبس محدود شود ولی به موجب آن برجسب مجرم در مرتکب، درونی میشود (بکر، 1963 لمرت، 1351) این برجسب عزت نفس فرد را کاهش می دهد و به دلیل دشواری و صعوبت در برقراری ارتباط مجدد با دیگران مجرم کمتر احتمال دارد، پیوندهای اجتماعی خود را با جامعه حفظ کند.

حرفه مجرمانه در ۲۵ تا ۴۵ سالگی توسعه می یابد زیرا عدم توانایی آنها برای پیوند و ارتباط با جامعه دوباره خلق می شود. جرم بزرگسالان یک نتیجه مستقیم از همراه شدن ضعیف با نیروهای کار یا همسران است. جرم بزرگسالان می تواند به وسیله همان متغیرهای نخستینی که باعث بزه میشود توضیح داده شود.

ترک تکرار جرم فرآیندی معکوس است. به عبارت دیگر افرادی که تعهدات اجتماعی را قبل از نوجوانی توسعه می دهند؛ در نوجوانی یا بزرگسالی به علت کنترل اجتماعی غیررسمی دیگر مرتکب جرم نمی شوند. کسانی که از ارتکاب جرم دست بر میدارند دارای تعهدات توسعه یافته خانوادگی با کیفیت و یا دارای اشتغال پایدار هستند.

تا به امروز گلوک طولانی ترین مطالعه طولی را درباره رفتار مجرمان ارایه داده است. این داده ها شامل مصاحبه ها، سوابق مرگ و سوابق رسمی جنایی (محکومیت جنایی) است. محققان دریافتند که تعهدات اجتماعی به خانواده، مدرسه و همسالان واسطه بین زیان اجتماعی، ویژگی های شخصیتی و بزهکاری نوجوانان است^{۱۴} (لوب و سمپسون، 1988) افراد ۱۰ تا ۱۷ ساله و دارای تعهدات اجتماعی ضعیف بودند احتمال بیشتری برای ارتکاب

جرم داشتند. از زمان آغاز این نظریه، در این زمینه شدت آزمایش شده است در حالی که هنوز این بحث هست که دست برداشتن از ارتکاب جرم دقیقاً چگونه اتفاق می افتد. درباره برخی یافته ها توافق کلی هست که در بخش بعدی در این باره بحث خواهد شد.

سن و ترک تکرار جرم

همان گونه که پیش از این گفته شد نظریه های مربوط، منظرهای گوناگونی برای توضیح این علت ارایه می دهند که چرا با بالا رفتن سن، کاهش چشم گیری در عمل مجرمانه رخ میدهد. بسیاری از مطالعات در تلاشند که میان الگوهای مجرمانه در سرتاسر زندگی و الگوهای تغییر در رفتار مجرمانه تمیز قائل شوند به طور کلی نظریه پردازان در جستجوی شناسایی گروه بندی های مختلف مجرمان در طول دوره زندگی آنها هستند که شامل زیر گروه هایی مثل

^{۱۴} مترجم: یکی از نخستین و به عبارتی مهم ترین تحقیقات انجام شده در حوزه بزه کاری کودکان را گلوکها انجام داد. این پژوهش در سال ۱۹۳۰ آغاز شد و بر مطالعه بزهکاری و مجرمیت حرفه ای ۵۰۰ بزه کار و ۵۰۰ ناکرده بزه متمرکز شد. هدف از این پژوهش جمع آوری اطلاعاتی راجع به بزه کاری و کیفیت گذار از بزه کاری در دوران کودکی به مجرمیت در بزرگ سالی بود غلامی، حسین (۱۳۹۰)، تکرار جرم بررسی حقوقی جرم شناختی، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان (۱۸۷)

گروه غیر مجرمان، مجرمان زود اقدام، مجرمان دیر اقدام، ترک کنندگان جرم، مجرمان سابقه دار، مجرمان مزمن و مجرمان حرفه ای است. این مسیرها معمولاً با طیف وسیعی از ویژگیهای دوران کودکی و نوجوانی مانند ضریب هوشی پایین، خلق و خوی تهاجمی و شروع زود هنگام رفتارهای ضد اجتماعی ایجاد می شود. مباحث حرفه مجرمانه به طور خاص با رشد پژوهش‌هایی در باره جرم و دوره زندگی تهییج شده است (اسگود، 2005) این نتیجه به طور گسترده پذیرفته شده است که مجرمان خشن (مجرمانی که مرتکب جرایم خشونت آمیز می‌شوند) حرفه مجرمانه طولانی تری نسبت به مجرمان غیر خشن دارند.^{۱۵} حرفه مجرمانه گاهی به صورت طولانی تری ادامه می یابد که این احتمال در مورد جرایم خشونت آمیز صادق تر است (پیکور، 2005)

مجرمان حرفه ای به تنوع در جرایم به جای تخصص در یک جرم تمایل دارند. این مهم به ویژه درباره مجرمانی که حداقل یک جرم خشونت آمیز در تاریخ حرفه مجرمانه خود دارند صادق است (پیکور و همکاران، 2007) درضمن پژوهش به تفاوت در فراوانی جرایم (تعداد جرایم) و مشارکت (درگیری) در جرم میان افراد اشاره دارد؛ مجرمان تمایل به تغییر دادن نوع جرایم به طور گسترده با تغییر سن دارند که در نهایت ممکن است مرتکب شدیدترین جرایم بشوند.

در مطالعات طولی سمپسون و لوب یافته های اصلی آنها این بود که مجرمانی که سن آنها از ۷۰ گذشته است تعداد جرایمی که این گروه از مجرمان مرتکب میشوند در نهایت کاهش می یابد به طور خاص؛ آنها دریافتند که گروه بندی مجرمان به نوع جرایم و به مرتکبانی که سن معینی را پشت سر گذاشته اند مربوط نیست. مطالعه اخیر که توسط (پتراس و همکاران، 2010) ارائه شده است در مورد فراوانی رفتار مجرمانه «تعداد جرایم» است.

پتراس^{۱۶} و همکاران از مدل سازی منحنی رشد برای تجزیه و تحلیل داده ها در مورد حرفه مجرمانه و دوره زندگی استفاده کردند؛ این داده ها شامل ۵۰۰۰ مجرم و اطلاعاتی در مورد محکومیت های کیفری آنان است که در بیش از ۶۰ سال ردیابی شده است. محققان دریافتند که اساساً هر دو متغیر مشارکت در جرم و فراوانی جرایم با موضوعاتی مثل سن، جنسیت، و وضعیت تأهل در ارتباط است. به طور خاص هر دو متغیر فراوانی جرایم و مشارکت در جرم در اوایل نوجوانی به اوج خود می‌رسد و سپس بعد از آن کاهش می‌یابد. در آن سالها افرادی که احتمال محکومیت بالایی داشتند، احتمال بیشتری برای ارتکاب تعداد جرایم مختلف دارند (پتراس و همکاران، 2010)

^{۱۵} مترجم: تحقیقات ناظر به بزه کاری کودکان و بزرگ سالان نشان میدهد که در میان بزه کاران تنها گروه کوچکی (۵ تا ۱۰ درصد) وجود دارد که مسئول ارتکاب اکثریت میزان جرایم و نیز شدیدترین آنها هستند. به طور کلی در میان بزه کاران این گروه مرتکب شدیدترین انواع جرایم میگردند و معمولاً ارتکاب جرم را در زمان نوجوانی آغاز می‌کنند و به صورت حرفه دایمی ادامه میدهند، غلامی، حسین (۱۳۹۰)، تکرار: جرم بررسی حقوقی-جرم-شناختی، چاپ سوم، بنیاد حقوقی میزان (۱۹۵).

بنابراین تفاوت‌هایی بین سن مرتکب جرم و درگیری او در ارتکاب جرم و فراوانی

جرم هست. این یافته از مفهومی که به نام مجرم حرفه ای هست پشتیبانی نمی کند. علاوه بر این، تجزیه و تحلیل شواهدی که برای یک نظریه کلی اما پویا از جرم هست فراهم می کند (پتراس و همکاران، 2010) این یافته ها روابط میان سن و جرم را تجزیه و تحلیل می کند که در زیر این رابطه ها نشان داده می شود:

• سن دارای اثر مستقیم بر جرم است؛

• منحنی سن و جرم افراد به طور گسترده متفاوت می شود، در سطوح کلی چند مجرم مختلف را نشان می‌دهد؛

• فراوانی در جرم و میزان مشارکت در رفتارهای مجرمانه با هم رابطه دارند.

ازدواج و ترک تکرار جرم

مطابق نظریه سمپسون و لوب حداقل پنج سازوکار در راستای ترک پایداری در جرم در داده های گلوک هست که مربوط به ازدواج است. این داده ها با فرآیند نقطه عطف همان گونه که در بالا اشاره شد سازگار است.

ازدواج میتواند به صورت بالقوه به یک یا بیشتر از احتمالات زیر در زندگی مردانی که مرتکب جرم میشوند منجر شود؛ آن چه از گذشته تا به حال در اصطلاح غلاف شده نامیده می شود؛ اشاره به این موضوع دارد که فعالیت‌های مجرمانه کسانی که مرتکب جرم می شوند بعد از ازدواج بیش تر نمی شود؛ ازدواج به طور بالقوه باعث ایجاد فرصت‌هایی برای سرمایه گذاری در روابط جدید می شود که رشد و حمایت اجتماعی و ارتباطات جدید اجتماعی را پیشنهاد می کند؛ ازدواج باعث خلق فرصت های مستقیم و غیر مستقیم برای نظارت و نگاه بر رفتارهای مجرمانه می شود؛ ازدواج باعث تقویت فعالیت‌های روزانه می شود که مرکز اصلی آن در خانواده است و نتیجه این امر آن است که فعالیت‌های کمتری با همسالان خود برقرار می کند ازدواج می تواند باعث فرصت‌هایی برای تحول هویت شود و اجازه دهد که یک «خود جدید» با تمرکز بر زندگی خانوادگی شکل بگیرد (سمپسون و لوب، 2005)

با بررسی ازدواج و ترک تکرار جرم عموماً در می یابیم که افراد متأهل در مقایسه با کسانی که مجرد هستند احتمال کمتری دارد دست به ارتکاب جرم بزنند (برسانی، ۲۰۰۹؛ بلو کند و همکاران، ۲۰۰۵؛ فارست ۲۰۰۷؛ لوب و همکاران، ۱۹۹۸؛ لوب و سمپسون، ۲۰۰۳؛ مسمیلین، ۲۰۰۷؛ نیلسن ۱۹۹۹ پتراس و همکاران ۲۰۱۰؛ پیکور و همکاران، ۲۰۰۲). حمایت از اثر ازدواج در فرآیند ترک تکرار جرم در نمونه هایی از مجرمانی که در معرض خطر هستند یافت می شود (فارست و وست، ۱۹۹۵؛ هارنی و همکاران، ۱۹۹۵؛ لوب و سمپسون، ۲۰۰۳؛ مسمیلین ۲۰۰۷) افزون بر این تحقیقات در این زمینه فراسوی ایالات متحده آمریکا در کشورهای مثل انگلستان، کانادا و هلند حمایت‌هایی را پیدا کرده است

(فارست، ۲۰۰۷؛ ماسولینا، ۲۰۰۷؛ مام و همکاران، ۲۰۰۵؛ نیلسن، ۱۹۹۹؛ وار، ۱۹۹۸).

تحقیقات دیگر به شواهدی اشاره می‌کند که رابطه بین ازدواج و ترک پایداری در جرم را علی‌میداند (سمپسون و همکاران، ۲۰۰۶) با استفاده از یک رویکرد واقعی شبیه به طراحی تصادفی آزمایشهای علی سمپسون و لوب اثر علی ازدواج را بر جرم آزمایش کردند که در این آزمایش به این نتیجه رسیدند که ازدواج منجر به کاهش ۳۵ درصدی ارتکاب جرم می‌شود. حداقل پنج مکانیزم دست کشیدن از ارتکاب جرم مربوط به ازدواج است. برخی مطالعات دریافته‌اند که نه تنها وضعیت ازدواج ارتکاب جرم را کاهش می‌دهد بلکه کیفیت تعهد در رابطه با دیگران هم در میزان ارتکاب جرم مؤثر است. به طور مثال فارینگتون و وست (۱۹۹۵) آزمایش کردند که آیا ازدواج و داشتن یک فرزند احتمالاً منجر به دست برداشتن در جرم میشود یا خیر. آنها دریافتند که هر دو متغیر (ازدواج و داشتن فرزند) به طور چشم‌گیری با دست برداشتن از ارتکاب جرم منطبق است در حالی که جدایی از همسر احتمالاً منجر به ارتکاب جرم بعدی خواهد شد.

لوب و همکاران (۱۹۹۸) با استفاده از یک اندازه‌گیری پویا از جرم دریافتند که ازدواج به طور چشم‌گیری منجر به ترک پایداری در جرم می‌شود با این حال افرادی که ازدواج کرده‌اند نیازمند یک زمان برای بهبود و توسعه تعهدهای خود با همسرانشان هستند برای این که دست کشیدن از ارتکاب جرم اتفاق بیفتد. افزون بر این بندا و همکاران دریافتند ازدواج یک شخص با شریک دلخواه، باعث میشود احتمال کمتری وجود داشته باشد که برای یک جرم یا بعد از رهایی از زندان به علت نهاد آزادی مشروط با ۵ سال محکومیت مجدداً حبس شود. در مطالعه اخیر که بر روی «ازدواج و ترک تکرار جرم» انجام شده است دریافتند ازدواج به طور چشم‌گیری مشارکت و فراوانی در ارتکاب جرم را میان مجرمانی که ازدواج کرده‌اند کاهش می‌دهد (پتراس و همکاران، ۲۰۱۰) به طور خلاصه شواهد نشان میدهد که ازدواج یک اثر مهم بر روی ترک تکرار جرم دارد و به طور علی به ترک جرم مربوط است.

مجرمانی که ازدواج کرده‌اند و دارای ازدواج موفق تر و با کیفیت تر هستند در مقایسه با کسانی که تنها هستند یا دارای ازدواجی با تعهدات زناشویی ضعیف تر هستند احتمال بیشتری هست دست از ارتکاب جرم بردارند. علاوه بر این شواهد نشان میدهد داشتن روابط با کیفیت با دیگران «یعنی مجرد بودن اما داشتن یک رابطه محکم میتواند به ترک پایداری در جرم منجر شود» (فارست، ۲۰۱۰)

شغل و ترک تکرار جرم

شغل یک متغیر مهم در نظریه ترک پایداری در جرم است زیرا داشتن یک شغل به تقویت سازگاری اجتماعی می‌پردازد (سمپسون و لوب، ۱۹۹۳) شغل پایدار می‌تواند به ترک پایداری در جرم منجر شود. چنین مجرمانی احتمال

بیشتری هست که ارتباط و تماس نزدیک و مکرری با دیگران در محل کار تمرین کنند که در نهایت احتمال بیشتری هست این افراد با خودشان سازگار و منطبق است (وار، 1998)

سمپسون و لوب بیان کردند هر دو متغیر ازدواج و اشتغال با یک مجموعه ای گسترده از تعهدات، انتظارات و روابط اجتماعی همراه است. همان گونه که ازدواج و اشتغال می تواند موقعیت جدیدی با سرپرستی و نظارت بر روی فرد ایجاد کند؛ همچنین فرصت های جدیدی از حمایت اجتماعی و تغییر در فعالیت های روزانه با ایجاد فرصتی برای تحول هویتی همراه است تعداد کمی از مطالعات نشان داده است آنهایی که مشغول به کار هستند احتمال بیشتری هست از ارتکاب جرم دست بردارند (بندا و همکاران 2005، لوب و سمپسون، 2003، سمپسون و لوب 1993) در حالی که دیگر مطالعات نشان داد که اشتغال هیچ تأثیری بر روی ترک تکرار جرم ندارد (نیلسن، 1999، تریپودی، 2010) یک مطالعه نشان داد در مواردی که مجرم دوباره به ارتکاب جرم دست می زند اشتغال تأثیر قابل توجهی در کاهش احتمال حبس دوباره ندارد. این موضوع قویاً در رابطه با مجرمان مشغول به کار در خارج از زندان در مقایسه با کسانی که بیکار بودند مربوط بود (تریپودی و همکاران، 2010). ازدواج و اشتغال می تواند فرصت های جدیدی برای حمایت اجتماعی خلق کند.

می توان با توجه به نوع اندازه گیری در مطالعات یافته هایی را که از اشتغال به عنوان متغیر چشم گیری در ترک پایداری در جرم پشتیبانی نمیکند بررسی کرد. بسیاری از مطالعات با اندازه گیری دوجویی از اشتغال نشان نداد که آیا فرد با توجه به معیارهای اندازه گیری شاغل محسوب میشود یا خیر. کیفیت تعهد به نیروی کار به نظر میرسد این را تعیین می کند که مجرم دست از ارتکاب جرم برمیدارد یا خیر. به عبارت دیگر چه مدت و چه مقدار یک فرد کار میکند امری کلیدی و مهم است. تحقیقات نشان داده است بین شاغل شدن و داشتن کار تمام وقت و یا داشتن یک کار با کیفیت تفاوت هایی هست و افرادی که دارای کار تمام وقت هستند یا کار با کیفیت دارند، کمتر به سوی ارتکاب جرم میروند (آگنو 1986، بهر و همکاران 2010، بنا و همکاران 2003؛ گرینبرگر و استنبرگ 1986؛ همر، 1995، تریپ 2007، آگن 1999؛ رایت و کولن، 2004؛ رایت و همکاران 1997). در حالی که داشتن ثبات شغلی میتواند به دست برداشتن از ارتکاب جرم منجر شود؛ اثرات شاغل بودن پایدار نیست مطالعات تجربی در زمینه برنامه های اشتغال برای مجرمان نشان داد که اثرات کار روی افراد در طول زمان می تواند از بین برود (کیو و همکاران، 1993؛ هاریسون و اسپر، 2004؛ مالر و همکاران، 1982).

به طور خاص هاریسون و اسچر^{۱۷} (2004) برنامه آموزش حرفه ای را تجزیه و تحلیل کردند و این نکته را دریافتند که این برنامه ها تکرار جرم را دوباره مرتکبانی که از زندان آزاد شدند بین ۱۰ درصد تا ۱۵ درصد برای ۵ سال اول کاهش می دهد. اما اثرات این برنامه ها بعد از ۵ سال در حداقل بود. آگن و استاف^{۱۸} (2001) یک بررسی گسترده بر روی چندین کار و برنامه های آموزشی به منظور کاهش تکرار جرم انجام دادند و به چندین نکته در زیر اشاره کرده اند: اثرات برنامه های کار نسبتاً کم و اغلب محدود است؛

کار به ویژه برای مجرمان سابقه دار قدیمی تر، یک نقطه عطف به سمت یک زندگی متعارف بود؛

• مدارک و شواهد از این که برنامه اشتغال به کار راهی به سوی کاهش جرم و کاهش تکرار جرم استپشتیبانی می کند. به نظر می رسد یک رابطه منطقی بین ثبات شغلی و قطع رفتارهای مجرمانه هست.

به طور خلاصه یک رابطه منطقی بین ثبات شغلی و قطع رفتارهای مجرمانه هست، در حالی که این اثرات در طول زمان نسبتاً کم است. متغیر اشتغال ممکن است بیشترین اثر را بر روی مجرمان مسن تر و افرادی که از زندان آزاد شده اند، داشته باشند.

یافته ها

در ایران، عوامل متعددی باعث تکرار جرم میان زندانیان آزاد شده می شود. اولین و مهم ترین عامل، مشکلات اقتصادی است که بسیاری از افراد پس از آزادی از زندان با آن روبه رو هستند. فقر، بیکاری، و نبود منابع مالی به ویژه پس انداز کافی پس از آزادی از زندان باعث می شود که این افراد دوباره به سمت جرم کشیده شوند. علاوه بر مشکلات اقتصادی، بی اعتمادی جامعه به زندانیان آزاد شده، و برچسب مجرم بودن نیز به شدت بر بازگشت آن ها به جرم تاثیر می گذارد. طرد شدن از خانواده و نبود حمایت های اجتماعی کافی، این افراد را در موقعیتی قرار می دهد که به راحتی وارد مسیرهای مجرمانه شوند.

مشکلات نهادی نیز در تکرار جرم نقش دارند. ناکارآمدی سیستم زندان در اصلاح مجرمین و عدم وجود برنامه های آموزشی و اشتغال در زندان ها باعث می شود که زندانیان پس از آزادی هیچ گونه مهارت جدیدی نیاموخته و در نهایت به جامعه ای که از آن خارج شده اند باز می گردند و به فعالیت های مجرمانه ادامه می دهند. سیستم قضائی کشور نیز در

Harrison and Schehr^{۱۷}

Uggen and Staff^{۱۸}

برخی مواقع باعث پیچیدگی در تعریف قانونی تکرار جرم می‌شود، که منجر به تفسیرهای مختلف از مواد قانونی و در نهایت سردرگمی در برخورد با مجرمین می‌شود.

عوامل حقوقی نیز به‌طور قابل توجهی بر تکرار جرم تأثیر می‌گذارند. ابهام در تعریف قانونی تکرار جرم و همچنین نبود وحدت رویه در تشدید مجازات‌ها موجب می‌شود که مجرمین نتوانند به‌طور کامل متوجه پیامدهای رفتارهای خود شوند و در نتیجه مجدداً به مرتکب جرم شوند. بسیاری از زندانیان پس از آزادی، به دلیل عدم بازدارندگی قوانین و ناکافی بودن سیستم‌های نظارتی، دوباره به سوی ارتکاب جرم می‌روند. این مسأله نشان می‌دهد که سیستم قضائی نیازمند تغییرات اساسی است تا از تکرار جرم جلوگیری کند.

یکی از مهم‌ترین مسائل در این زمینه، تأثیر منفی زندان بر افراد است. زندان نه تنها به‌عنوان یک ابزار اصلاحی مؤثر نیست بلکه در بسیاری از موارد با آموزش شیوه‌های مجرمانه به زندانیان، باعث بازتولید جرم می‌شود. به‌جای اینکه زندان مکانی برای اصلاح و توانمندسازی مجرمان باشد، اغلب محیطی برای تقویت رفتارهای مجرمانه و بازگشت دوباره به جرم می‌شود. این مسأله نیازمند بررسی دقیق‌تر و تغییر در رویکردهای زندانداری است تا زندانیان به‌جای یادگیری شیوه‌های مجرمانه، مهارت‌های جدیدی را برای ورود به جامعه فرا گیرند.

در راستای کاهش تکرار جرم، برخی راهکارهای اساسی پیشنهاد می‌شود. توانمندسازی اقتصادی زندانیان از طریق حرفه‌آموزی و آموزش‌های فنی در زندان، و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی برای زندانیان آزاد شده از جمله این راهکارهاست. برنامه‌های اقتصادی نظیر اعطای وام به زندانیان اصلاح‌شده و حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده از زندان‌ها نیز می‌توانند تأثیر مثبتی در کاهش تکرار جرم داشته باشند. آموزش مهارت‌های زندگی و مشاوره‌های روانی برای مجرمین آزاد شده نیز می‌تواند به بازگشت آن‌ها به جامعه کمک کند.

مراقبت پس از آزادی برای بازپذیری اجتماعی مجرمین از دیگر راهکارهای ضروری است. نظارت بر شرایط زندگی آن‌ها و استفاده از فناوری‌های نوین برای رصد و پیشگیری از تکرار جرم، می‌تواند به کاهش وقوع جرم‌های مجدد کمک کند. اصلاح قانون مجازات اسلامی برای شفاف‌سازی مفاهیم مربوط به تکرار جرم و اجتناب از تفسیرهای نادرست از مواد قانونی نیز در این زمینه حیاتی است. در کنار این مسائل، باید به حفظ کرامت انسانی مجرمین در طول دوران زندان و پس از آن توجه کرد تا فرآیند اصلاح درستی در پیش گرفته شود.

پرهیز از برجسب‌زنی و انگ اجتماعی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. با کمک رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و اجتماعی باید این برجسب‌ها را از بین برد و به افراد کمک کرد تا دوباره به‌طور مؤثر وارد جامعه شوند. در این راستا، تقویت نهادهای حمایتی مانند خانواده‌ها، مراکز مشاوره، مددکاری و انجمن‌های مردمی می‌تواند به افراد در گذار از

مرحله اصلاح کمک کند. این نهادها با ایجاد یک شبکه حمایت اجتماعی برای زندانیان آزاد شده، می توانند به کاهش تکرار جرم کمک کنند و فرصت های اجتماعی بهتری برای آن ها فراهم آورند.

بحث و نتیجه گیری

تکرار جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی و قضائی، نشان دهنده ضعف ها و کاستی های موجود در فرآیندهای پیشگیری، اصلاح و بازتوانی مجرمان است که تأثیرات منفی متعددی بر امنیت جامعه، اعتماد عمومی و هزینه های اقتصادی و اجتماعی دارد. بررسی های انجام شده حاکی از آن است که عوامل مؤثر بر تکرار جرم شامل عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی می باشد که بر نیاز به رویکردهای چندبعدی و هماهنگ در مقابله با این مسئله تأکید می کند.

بعد از اجرای مجازات مسائل متعددی مانع بازپذیری بزهکاران می شود مجازاتهای تبعی سلب حقوق اجتماعی از یکسو و قواعد استخدامی نهادها در ارتباط با عدم استخدام افراد دارای سابقه کیفری از سوی دیگر بازپذیری اجتماعی بزهکاران را دشوار نموده است. فلذا میتوان گفت که رابطه مستقیمی بین مجازاتها و اصلاح و بازپذیری اجتماعی بزهکاران وجود دارد. از منظر قواعد حقوق بشری فرد مجرم یک بیمار اجتماعی محسوب میشود که در تمامی موارد مجازات نمی تواند موجب بهبود او گردد. کیفر زدایی صحیح نه تنها می تواند اهداف مجازات را تأمین نماید بلکه آثار مثبتی نیز برای بزهکار و جامعه به همراه دارد کیفر سلب آزادی باید صرفاً در ارتباط با مجرمین خطرناک و در برابر جرایم شدید و تنها در صورت وجود ضرورت حمایت از عموم به عنوان مجازات تعیین شود قانونمند بودن کیفر سالب آزادی در حقوق ایران نیازمند تعریف ساز و کارهای تخصصی کیفر و تدوین قوانینی است که جایگاه کیفر سالب آزادی را در مراتب مجازات ها مشخص نماید. استفاده ابزاری از اصلاح و بازپذیری اجتماعی و هزینه های هنگفت تدابیر اصلاح و بازپروری از موانع جامعه پذیری بزهکار و جلوه های عدم موفقیت مراکز اصلاح و بازپروری بعد از خروج است. تشدید در صورت تکرار و تعدد جرم نیز از جمله اقدامات مشدده قانون ۱۳۹۲ در راستای جامعه پذیری بزهکار است. علل تشدید مجازات و راهکارهای پیشگیری از تکرار جرم در نظام کیفری اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا تعیین مجازات متناسب با بزه انجام شده سبب رعایت اصول انسانی و اسلامی، مثل اصل عدالت کیفری و تناسب بین جرم و مجازات می شود و این امر سلامت روانی جامعه را بیشتر تأمین میکند. پس از بررسی مروری مقالات و مطالعات انجام شده در این تحقیق نتایج حاصل شده نشان داد که در قانون مجازات اسلامی بررسی دلایل بروز تکرار جرم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. طرفداران و موافقان نظریه اجرای تشدید مجازات که همان پیروان مکتب کلاسیک هستند با تکیه بر جنبه سزادهی و بازدارندگی مجازات و وجود حالت خطرناک در مورد مرتکبین تکرار جرم چنین استدلال می کنند: اولاً مجرم از اجرای مجازات قبلی متنبه نشده و در واقع یکی از اهداف مهم اجرای مجازات که اصلاح مجرم است تأمین نگردیده است. بنابراین می بایست با چنین فردی برخورد

شدیدتری صورت گیرد؛ ثانیاً کسی که برای اولین بار دست به ارتکاب جرم زده و مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته و پس از آن دوباره مرتکب جرم میشود حکایت از حالت خطرناک وی دارد. چرا که با وسایل و فنون ارتکاب جرم آشنایی پیدا کرده و باید جامعه را از گزند چنین فردی در امان نگهداشت؛ ثالثاً تشدید مجازات تکرار کننده جرم سبب پیشگیری عمومی و اختصاصی از ارتکاب جرم میشود چرا که از یک سو مجرم همچون حسابگری مجرب به سنجش سود و زیان خود در نتیجه ارتکاب مجدد جرم میپردازد و با خود می‌سنجد که اگر دوباره مرتکب جرم شود مجازات سنگین تری در انتظار اوست. از این رو سعی بر آن دارد که مرتکب جرم نشود (پیشگیری اختصاصی) از سوی دیگر، با تشدید مجازات تکرار کننده جرم انتظار میرود که آثار عبرت انگیز آن در تعدیل تمایلات بزهکارانه افراد مؤثر افتد و کسانی که می‌کوشند راه بزهکاری را انتخاب کنند از حرکت در این مسیر باز ایستند (پیشگیری عمومی).

در مقابل جرم شناسان مکتب نئوکلاسیک، تشدید مجازات در مورد تکرار کنندگان جرم را جایز ندانسته و این قبیل مجرمین را بیمار یا عاملی از علتهای اجتماعی دانسته و به هیچ وجه شدت برخورد با آنان را سازگار با عدالت نمی‌دانند. این عده معتقدند که اولاً مراقبتهای پس از اجرای مجازات یا به نحو مطلوب صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته، کافی نبوده است و یا یکی از اهداف اجرای مجازات که همان اصلاح و بازپروری بزهکار است به خوبی تأمین نشده است. چرا که از یک سو، جامعه عامل اصلی وقوع جرم اول بوده و با برخورد شدید و نامناسبی که با مجرم داشته، مقصر اصلی برای ارتکاب جرم بعدی او میباشد. از سوی دیگر، جامعه با ایجاد رسوایی و فضاحتی که از اجرای مجازات جرم اول به بار آورده باعث شده تا شخص خود را در جامعه رسوا و بی‌آبرو شناخته و قبح مجازات برای او به عمل عادی مبدل شود و اگر چنین مجرمی مجدداً دست به ارتکاب جرم بزند ناشی از همان پیشینه و برجستگی است که جامعه به او زده و با معرفی او به عنوان فردی ناصالح، او را از به دست آوردن شغل و حرفه ای خاص باز داشته تا لاجرم مجرم تنها راه پیش روی خود را ارتکاب جرم بداند. ثانیاً در خصوص مجازات زندان عدم تجهیز وضعیت زندان موجب شده فردی که برای اولین بار به علت ارتکاب جرمی کم اهمیت وارد زندان میشود با مجرمین حرفهای و سابقه دار هم‌نشین شود و در دوران محکومیت خود همچون کلاس درس به کسب مهارتهای لازم جهت ارتکاب جرم بپردازد که این عوامل خود میتواند در ارتکاب جرم مؤثر باشد. برای کاهش تکرار جرم، نیازمند بهره‌گیری از راهکارهای مؤثر و علمی هستیم که بتوانند فرد مجرم را پس از گذراندن دوران حبس و اصلاح، به جامعه بازگردانده و از تکرار مجدد جرم جلوگیری کنند. این راهکارها عبارتند از: اصلاح و تقویت برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی مهارتی برای مجرمان، توسعه سیستم‌های نظارتی و مراقبتی پس از آزادی، ارتقاء نقش خانواده و جامعه در حمایت و مراقبت از افراد آسیب‌پذیر، و همچنین ایجاد فرصت‌های شغلی و اقتصادی مناسب برای افراد در معرض خطر.

همچنین، آموزش‌های عمومی در حوزه قانون‌مداری، کاهش تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی، از جمله عوامل مؤثر در پیشگیری از تکرار جرم می‌باشند. در کنار این اقدامات، همکاری مؤثر بین نهادهای قضائی، اجرائی، اجتماعی و

فرهنگی ضروری است تا بتوان تمامی ابعاد و علل تکرار جرم را با هم تحلیل و مدیریت کرد. و با این نظریه که میتوان برای زندانیان آزاد شده از حبس برای تحقیق و جلوگیری از تکرار جرم اختصاص وام ها و فرصت های اقتصادی به شرط این که در مدت مشخصی که دادگاه تعیین میکند مرتکب هیچ جرمی نشوند تا بتوانند از این امکانات تشویقی استفاده کنند .

در پایان، باید گفت که جلوگیری از تکرار جرم، نیازمند اقداماتی مستمر و مطالعه محور است که بتواند به صورت پایدار و اثرگذار، سلامت اجتماعی و امنیت جامعه را تضمین کند و از گسترش رفتارهای مجرمانه در آینده جلوگیری به عمل آورد. تنها با تکیه بر فرهنگ سازی، توسعه حمایت های اجتماعی و قانون مداری می توانیم جامعه ای امن، سالم و پویا داشته باشیم که در آن تکرار جرم به حداقل ممکن برسد.

منابع و مآخذ

- آشوری، محمد (۱۳۹۸) جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان تهران: نشر میزان
- ابراهیمی شهرام (۱۳۸۴) کنگره های پنج ساله پیشگیری از جرم و عدالت کیفری دستاوردها و دورنماها . مجله حقوقی دادگستری ۵۲ و ۵۳، ۳۷۴-۳۵۵
- احمد حبیب (۱۳۹۲) جامعه شناسی انحرافات تهران نشر سمت چاپ ششم
- باهری، محمد (۱۳۹۸) تقریرات درس حقوق جزای عمومی چاپ سوم، انتشارات مجله.
- تاجیک محمدرضا (۱۳۹۴) روایت غیرت و هویت در میان ایرانیان تهران فرهنگ گفتمان
- رحیمی نژاد اسماعیل (۱۳۹۰) انگرش اسلامی به کرامت انسانی معرفت
- سرلک عادل (۱۳۹۹) مروری بر نقش عوامل خانوادگی اجتماعی و اقتصادی در بازگشت مجلد زندانیان به زندان در حقوق کشور ایران» اولین کنفرانس ملی حقوق علوم اجتماعی انسانی روانشناسی و مشاوره، تهران»
- عبدی عباس (۱۳۸۴) امجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم مجله جامعه شناسی ایران، ۴ (۲) ۷۷-۹۱
- غلامی، حسین (۱۳۸۳) پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵) جامعه شناسی تهران: نشر نی
- رهامی، محسن، تحول و تعدیل مجازاتها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران مجله اندیشه های حقوقی، ش ۴، (پاییز ۱۳۸۲).
- حبیب زاده، محمد جعفر و محقق داماد، سید مصطفی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات در حقوق ایران مجله دانشور دانشگاه شاهد ش ۹ و ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۷۴).

محسنی، مرتضی، ۱۳۷۵ دوره حقوق جزای عمومی، ج ۱، انتشارات گنج دانش

غلامی حسین، ۱۳۸۲ تکرار جرم، نشر میزان،

بیگی، جمال و، تیموری، مهرداد، ۱۴۰۱ بهره مندی محکومان از حق آموزش راهبرد پیشگیری از تکرار جرم و تخصصی دانشنامه های حقوقی دوره ۵، شماره: ۱۶ فصلنامه

حاج علی اکبری، محمد، ۱۴۰۱ راههای از بین بردن اثر زندان در تکرار، جرم فصلنامه حقوقی قانون، یار، دوره ۶، شماره ۲۱. حجازی، سید ناصر و مروتی

سلیمانی فر، مهسا و سلیمانی فر فریده ۱۴۰۰ نقش مرکز مراقبت بعد از خروج از زندان در کاهش تکرار جرم، ششمین همایش بین المللی فقه و حقوق و کالت و علوم اجتماعی، همدان.

فرهمندی، محمد حسن و کشاورز، علیرضا، ۱۴۰۰ بررسی و تحلیل دلایل بروز تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی، فصلنامه فقه حقوق و علوم جزا، دوره ۵، شماره ۲۰. جرم

کریمی، محمد کاظم، ۱۴۰۰ بررسی تاثیر مجازاتهای جایگزین حبس بر بازاجتماعی شدن مجرمین و پیشگیری از تکرار جرم فصلنامه حقوقی قانون، یار دوره ۵، شماره ۱۹ مجله علمی تخصصی علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم دوره ۷، شماره ۷، بهار ۱۴۰۲، ۲۱۴-۲۲۳

گودرزی بروجنی محمد رضا و کمالی مژگان ۱۳۹۷ تاثیر عوامل محیط اقتصادی بر پیشگیری از وقوع یا تکرار .

سهیلی، فاطمه، ۱۳۹۹ مبانی و کیفرگذاری تکرار جرم با رویکرد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ فصلنامه الکترونیکی پژوهشهای حقوقی قانون، یار دوره ۳، شماره ۱۲.

Palmer, T (1975). "Martinson Revisited". Journal of Research in Crime and Delinquency, No.12.

References

Ashouri, Mohammad. (2019). The Role of Imprisonment in Contemporary Criminal Policy, in: Collection of Articles on Strategies to Reduce Prison Population, Tehran: Mizan Publishing. [in Persian]

Ebrahimi, Shahram. (2005). "Five-Year Congresses on Crime Prevention and Criminal Justice: Achievements and Prospects." Judiciary Legal Journal, Nos. 52-53, pp. 355-374. [in Persian]

Habib, Ahmad. (2013). Sociology of Deviations, 6th Edition, Tehran: SAMT Publishing. [in Persian]

Baheri, Mohammad. (2019). Lectures on General Criminal Law, 3rd Edition, Majd Publications. [in Persian]

Tajik, Mohammad Reza. (2015). Narratives of Honor and Identity among Iranians, Tehran: Farhang-e Gofteman Publishing. [in Persian]

Rahiminezhad, Esmaeil. (2011). "An Islamic Perspective on Human Dignity." Ma'refat Journal. [in Persian]

Sarlak, Adel. (2020). "A Review of the Role of Family, Social, and Economic Factors in Prisoners' Return to Prison in Iranian Criminal Law." First National Conference on Law, Social Sciences, Humanities, Psychology, and Counseling, Tehran. [in Persian]

Abdi, Abbas. (2005). "Imprisonment and Reoffending." Iranian Journal of Sociology, 4(2), pp. 77–91. [in Persian]

Gholami, Hossein. (2004). "Crime Prevention through Social Development." Law and Politics Research Journal, No. 11. [in Persian]

Giddens, Anthony. (2016). Sociology, Tehran: Ney Publishing. [in Persian Translation]

Rahami, Mohsen. (2003). "Transformation and Moderation of Punishments in the Criminal System of the Islamic Republic of Iran." Journal of Legal Thoughts, No. 4. [in Persian]

Habibzadeh, Mohammad Jafar & Mohaqqiq-Damad, Seyed Mostafa. (1995). "The Principle of Legality of Crime and Punishment in Iranian Law." Daneshvar Journal (Shahed University), Nos. 9–10. [in Persian]

Mohseni, Morteza. (1996). General Criminal Law, Vol. 1, Ganj-e Danesh Publishing. [in Persian]

Gholami, Hossein. (2003). Recidivism, Mizan Publishing. [in Persian]

Beigi, Jamal & Teymouri, Mehrdad. (2022). "Prisoners' Right to Education: A Preventive Strategy Against Recidivism." Legal Encyclopedias Quarterly, Vol. 5, No. 16. [in Persian]

Haj Ali Akbari, Mohammad. (2022). "Ways to Remove the Impact of Imprisonment on Recidivism." Hoghooghi-e Ghanoon Yar Quarterly, Vol. 6, No. 21. [in Persian]

Solimanifar, Mahsa & Solimanifar, Farideh. (2021). "The Role of Post-Release Supervision Centers in Reducing Recidivism." 6th International Conference on Jurisprudence, Law, Advocacy, and Social Sciences, Hamedan. [in Persian]

Farhamandi, Mohammad Hassan & Keshavarz, Alireza. (2021). "Analysis of the Causes of Recidivism in the Islamic Penal Code." Fiqh, Law & Criminal Sciences Quarterly, Vol. 5, No. 20. [in Persian]

Karimi, Mohammad Kazem. (2021). "The Impact of Alternative Sentences to Imprisonment on Offender Rehabilitation and Recidivism Prevention." Hoghooghi-e Ghanoon Yar Quarterly, Vol. 5, No. 19. [in Persian]

Goudarzi Boroujeni, Mohammad Reza & Kamali, Mozghan. (2018). "The Impact of the Economic Environment on Preventing Crime and Recidivism." Scientific and Specialized Journal of Humanities and Islamic Studies in the Third Millennium, Vol. 7, Spring 2023, pp. 214–223. [in Persian]

Sohaili, Fatemeh. (2020). "Foundations and Punishment Policy of Recidivism under the 2020 Law on Reduction of Ta'zir Imprisonment." Electronic Journal of Legal Research – Ghanoon Yar, Vol. 3, No. 12. [in Persian]

Palmer, T. (1975). "Martinson Revisited." Journal of Research in Crime and Delinquency, No. 12.

آرشیو مقالات منتشر شده.